فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۴۷ - ۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۲

تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا صیاد[۱]
دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
محمدعلی خسروی[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)
علی شیرخانی[۳]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
ملک‌تاج خسروی باب اناری[۴]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در تعریفی اجمالی فرهنگ سیاسی به نحوه نگرش و بینش هر فرد نسبت به نظام سیاسی، شخصیت‌های سیاسی و کارکردها و وظایف آن‌ها و همچنین نگرش شخصیت‌های سیاسی نسبت به نقش و جایگاه مردم در نظام سیاسی گفته می‌شود. بر اساس این تعریف مجموع انتظارات مردم از نهاد دولت و مجموع انتظارت دولتمردان از مردم در قالب این فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد. این موضوع البته زمانی اهمیتی مضاعف می‌یابد که در بحث کارآمدی، نظام سیاسی کارآمد را نظامی می‌دانند که بتواند وظایفی را که بیشتر مردم از آن متوقع هستند انجام دهد و به اهدافی که بر حسب این وظایف برای خود مشخص ساخته دست یابد. به همین منظور از آنجا که نگاهی اجمالی به ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران دولت‌گرا بودن آن را روشن می‌سازد هدف از انجام این پژوهش آن است که با استفاده از روشی توصیفی و تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال باشد: فرهنگ دولت‌گرا چه تاثیری بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایرن داشته است؟ در پاسخ به این سوال فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد: فرهنگ دولت‌گرا با تبیین وظایف متعدد در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی برای دولت موجب ضعف کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شده است. نتایج پژوهش ضمن تائید فرضیه فوق گویای آن است که فرهنگ دولت‌گرا موجب تداوم مشارکت منفعلانه و تضعیف احزاب سیاسی در عرصه‌ی سیاسی و شکل‌گیری انحصارات اقتصادی و به تبع آن تورم، بیکاری و افزایش فساد اقتصادی در عرصه اقتصادی شده است که خود موجبات ناکارآمدی نظام سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ دولت‌گرا، کارآمدی سیاسی، کارآمدی اقتصادی، کارکردگرایی، جمهوری اسلامی ایران.

1. sayad84@gmail.com
2.malikhosravi@gmail.com
3.rooz1357@gmail.com
4.M.khosravi511@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

مفهوم کارآمدی چنان‌چه در ادامه مورد واکاوی قرار می‌گیرد یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نظام سیاسی است و ضعف آن می‌تواند پایداری نظام‌های سیاسی را با مخاطرات جدی روبرو سازد به طوری‌که برخی از اندیشمندان علوم سیاسی اولین گام فروپاشی نظام‌های سیاسی را در شروع بحران کارآمدی آن می‌دانند که در ادامه می‌تواند بحران‌های دیگری همچون: بحران مشروعیت، بحران اختلاف میان نخبگان حاکم و بحران سرکوب را به همراه بیاورد. از این‌رو شناخت و اصلاح عواملی که در کارآمدی نظام‌های سیاسی اثر گذارد می‌تواند موجب افزایش کارآمدی و پایداری نظام‌های سیاسی گردد. بر همین مبنا این پژوهش سعی دارد تا با بهره‌گیری از رهیافت فرهنگ سیاسی یکی از عوامل اثرگذار بر کارآمدی نظام‌های سیاسی را در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. گفتنی است در سال‌های اخیر، رهیافت فرهنگ سیاسی اعتبار از دست رفته خود را به میزان زیادی احیا کرده است و امروزه در بیشتر حوزه‌های پژوهشی علم سیاست جایگاه برجسته‌ای دارد.

فرهنگ سیاسی یعنی همه‌ی جنبه‌های ذهنی و بیناذهنی نظام معنایی مرتبط با سیاست که دارای وجه شناختی (تعیین، تعریف و تشریح) و هنجاری (توجیه یا تقبیح) است. بنابراین فرهنگ سیاسی معنای مشترک ساخته و پرداخته شده در فرایند جامعه‌پذیری است که ضمن تعیین و تعریف امر سیاسی، نهادها، مقامات و اندرکنش‌های سیاسی را توجیه یا تقبیح می‌کند. از این طریق فرهنگ سیاسی امکان اندرکنش سیاسی و در نتیجه، مناسبات قدرت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هر چند این تاثیرگذاری دارای اشکال گوناگون و پرشمار است، اما می‌توان برخی از رایج‌ترین اشکال را شناسایی کرد. شناسایی انواع فرهنگ سیاسی این امکان را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا اثرگذاری آن را در حوزه‌های گوناگون ساختار سیاسی بررسی نمایند. از این رو در ارتباط با فرهنگ سیاسی ایران هر چند بر اساس تقسیم‌بندی‌های رایج در این حوزه می‌توان آن را جزء انواع فرهنگ سیاسی تبعی قرار داد منتهی با عنایت به دیدگاه خاص این پژوهش از آن با عنوان فرهنگ دولت‌گرا یاد می‌گردد.

منظور از فرهنگ دولت‌گرا نوعی از فرهنگ سیاسی است که بر اساس آن مردم با دوری از عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وظایف و اختیارات خود را در عرصه‌ی عمومی به دولت واگذار می‌کنند و نخبگان سیاسی نیز با پذیرش این وظایف و اختیارات انتظارت و

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

توقعات فزاینده‌ای را از دولت‌ها به وجود می‌آورند. به نظر می‌رسد که غلبه‌ی چنین شرایطی در درازمدت حجم کاری و مسئولیت‌های دولت را چنان افزایش می‌دهد که هر چقدر هم در انجام وظایفشان تلاش نمایند باز هم قادر به انجام همه‌ی این وظایف محوله نخواهند بود. بر همین اساس سعی ما در این پژوهش این خواهد بود تا با بررسی رابطه میان فرهنگ سیاسی و کارآمدی نظام سیاسی تاثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

چارچوب نظری:

ارتباط میان ساختار فرهنگی و ساختار سیاسی سیستمی را در این پژوهش بر مبنای بر اساس نظریه کارکردگرایی تبیین می‌گردد. نظریه کارکردگرایی یا اصالت کارکرد از نظریه‌های مسلط جامعه‌شناسی معاصر است. تالکوت پارسونز از چهره‌های شاخصی است که نقش زیادی در تدوین و ارائه این نظریه ایفا کرده است. او جامعه را شبیه سیستم بازی فرض می‌کند که ورودی، فرایند، و خروجی‌هایی دارد و با محیط خود هم در تعامل است (بازخورد) و می‌کوشد تعادل و بقای خود را حفظ کند.از دیدگاه پارسونز هر نظام اجتماعی دارای چهار کارکرد است. کارکرد انطباق با شرایط به وسیله نهادهای نظام اقتصادی، کارکرد نیل به اهداف عمدتاً به وسیله نظام سیاسی،کارکرد ایجاد همبستگی و حل منازعه به موجب نظام هنجاری یعنی به وسیله نظام حقوقی و کارکرد حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی به وسیله نظام ارزشی (مذهب و فرهنگ) انجام می‌شود. (بشیریه، ۱۳۹۳ : ۸٤-۸۳)

نظریه کارکردگرایی طبق مفروضات ذیل مدعی است برای بررسی جوامع مختلف با نظام‌های سیاسی متفاوت و درجه‌های مختلف توسعه وکاربرد دارد:

- تمام نظام‌های سیاسی در هر سطحی از توسعه، مجهز به ساختارهای سیاسی قابل مقایسه با ساختارهای موجود در جوامع نو هستند، تنها درجه تداوم و تخصص‌گرایی آن‌ها متفاوت است.
- در تمامی نظام‌های سیاسی کارویژه‌های یکسانی صورت می‌پذیرد، تنها فرق آن‌ها آهنگ تحقق و تنوع ساختارها و شیوه انجام آن‌هاست.
- تمامی ساختارهای سیاسی چندکارکردی هستند، یعنی شیوه‌های متعدد در کارکرد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نظام سیاسی مشارکت می‌کنند.

- تمامی نظام‌های سیاسی ترکیبی هستند؛ یعنی هرگز کاملاً نو یا کاملاً سنتی نیستند؛ از این‌رو روند توسعه جهانشمول و همیشگی است. این روند به همان اندازه که در اروپای غربی جریان دارد در جهان سوم هم جریان دارد. (بدیع، ۱۳۷٦: ٥٦-٥٥)

مفهوم نظام سیاسی ناظر به همه فعالیت‌های سیاسی جامعه است. این مفهوم همچنین ناظر به تعامل فضای سیاسی با محیط خود است. نظام سیاسی فقط شامل نهادهای دولتی مثل قوه قضائیه و مجریه نمی‌شود بلکه در برگیرنده همه ساختارهایی است که جنبه سیاسی دارد؛ مثل: احزاب، گروه‌های فشار و رسانه‌های ارتباطی نیز می‌گردد. (آلموند و پاول، ۱۹۷۸: ٥) بر همین اساس آلموند و کلمن مدعی هفت کارویژه جهانشمول شامل : آموزش و عضوگیری سیاسی، بیان منافع، تجمیع منافع، ارتباطات سیاسی، تمهید قوانین، اجرای قوانین، عمکرد قضایی برای نظام سیاسی هستند. (بدیع، ۱۳۷٦: ٥٦) البته در نظریه‌ی کارکردگرایی در کنار مفهوم نظام سیاسی مفهوم ساختار نظام سیاسی نیز وجود دارد که منظور از آن مجموعه نقش‌ها و فعالیت‌هایی است که نظام سیاسی از آن تشکیل شده است. بنابراین ساختار نظام سیاسی شامل مجموعه‌ای از نقش‌های رسمی سیاسی است مانند: رای‌دهندگان، گروه‌های ذی‌نفع، رقابت‌کنندگان، مشارکت‌جویان، احزاب، سازمان‌های اداری، مجالس قانون‌گذاری، رئیس‌جمهور، دفتر سیاسی، هیئت دولت و نیروهای نظامی است.

نظریه آلموند و کلمن شش سال بعد به وسیله آلموند و پاول در کتاب سیاست تطبیقی تجدید و تکمیل گردد. آن دو در تحلیل خود از کارکردها و ساختارها، فرهنگ سیاسی یعنی مجموعه طرز فکرها باورها ارزش‌ها و صلاحیت‌هایی که به طور معمول در مردم مشاهده می‌شود را نیز مورد ملاحظه قرار دادند. (آلموند و پاول، ۱۹۷۸، ۲۵-۲۳) و سه نوع فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی را معرفی می‌کنند که کارایی آن‌ها از کم به زیاد متغییر بوده و سومین آن‌ها حائز بیشترین کارایی و اثربخشی است. در درجه نخست فرهنگ ده‌کوره‌ای قرار دارد که مبتنی بر بی‌تفاوتی و جهل نسبت به دولت ملی و سرفروبرده در واحدهای محلی متعلقه مانند قبیله یا روستاست. دوم فرهنگ انقیادی است که بر عکس با آگاهی نسبت به نظام سیاسی ملی همراه است، ولی مردم در مقابل آن حالتی کاملاً انفعالی دارند.

در این فرهنگ افراد نسبت به نظام، احترامی توأم با ترس دارند و تصور می‌کنند که قادر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به مشارکت در عملکرد آن نیستند و نوع سوم فرهنگ مشارکتی است که بر عکس بر اراده شهروندان و اعمال کامل حقوق و تکالیف آن‌ها در تصمیمات سیاسی استوار است. آلموند و پاول با اینکه معتقدند هیچ یک از این نوع فرهنگ‌های سیاسی در حالت خالص خود در یک جامعه وجود ندارند نتیجه‌گیری کرده‌اند که نوع سوم (فرهنگ مشارکتی) کارآمدتر و بهتر از سایر انواع بوده و با دموکراسی‌های باثبات سازگارتر است بنابراین فرهنگ سیاسی پیشرفته‌ترین نظام‌های سیاسی بیشترین شباهت را به فرهنگ مشارکتی دارد. (اخوان کاظمی،۱۳۸۳: ۸۵)

آلموند و پاول همچنین بر مبنای دو شاخص تمایزگذاری ساختاری و دنیوی کردن فرهنگ نظام‌های سیاسی را بر حسب سطح توسعه، طبقه‌بندی می‌کنند، در واقع ملاک تقسیم‌بندی آن‌ها می‌تواند بر مبنای میزان کارآمدی نظام‌ها نیز باشد که به شرح زیر از کم به زیاد افزایش می‌یابد:

- نظام‌های بدوی که صاحب ساختارهای سیاسی گسیخته و فاقد تنوعند و با فرهنگی از نوع ده‌کوره‌ای مشخص می‌شوند.
- نظام‌های سنتی که با درجه‌ای از تنوع ساختاری آشنا هستند و به مرحله فرهنگ انقیادی دست یافته‌اند.
- نظام‌های جدید که به زیربنای سیاسی متنوعی (احزاب، گروه‌های منفعتی و رسانه‌های عمومی) مجهزند و بر فرهنگ مشارکتی تاکید دارند. (بدیع، ۱۳۷٦: ۵۳-۵۲)

بر این اساس فرهنگ دولت‌گرا با ویژگی بارز وابستگی مضاعف به دولت قرابت زیادی به فرهنگ انقیادی دارد و طبق نظریه آلموند و پاول کارآمدی نظام سیاسی منطبق با آن باید با نظام‌های سنتی همخوان باشد بدین منظور با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی آلموند و پاول به بررسی تاثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

فرهنگ دولت‌گرا:

از آن‌جا که فرهنگ از مهم‌ترین عوامل و از عوامل تأثیرگذار بر کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان می‌باشد رفتارهای سیاسی را نیز از خود متأثر می‌سازد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰) لکن معمولاً هنگامی که از مفهوم فرهنگ در حوزه‌ی سیاست بهره می‌گیریم با اصطلاح

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

فرهنگ سیاسی روبرو می‌گردیم که نخستین بار توسط گابریل آلموند مورد بهره برداری قرار گرفت. او فرهنگ سیاسی را اینگونه تعریف می‌نماید: «هر نظام سیاسی شامل الگوی خاصی از سمت‌گیری‌ها به سوی عمل سیاسی است و فکر می‌کنم بهتر است این الگو را فرهنگ سیاسی بنامیم.» بر اساس دیدگاه وی فرهنگ سیاسی محصول تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازند و به همین علّت به عنوان نماد یکپارچگی حیات اجتماعی تلقی می‌شود و با مطالعه‌ی دقیق آن می‌توان فرآیند تبدیل تقاضاها وخواست‌ها به تصمیمات، استراتژی و سیاست‌ها را مشاهده نمود. بنابراین از آن‌جا که محیط نظام دارای ماهیتی ارزشی می‌باشد. لذا فرهنگ سیاسی موجب تعیین و هدایت جهت‌گیری‌های مردم نسبت به نمادها، ساختارها وعملکرد سیاسی است. (قوام، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

به عبارتی دیگر فرهنگ سیاسی یک فرهنگ جداگانه در کنار فرهنگ عمومی جامعه نیست بلکه فرهنگ سیاسی جزئی از فرهنگ عمومی است ارزش‌ها، باورها و رویکردهای سیاسی جزئی از کلیّت ارزش‌ها، باورها و رویکردهای آن است. جداکردن فرهنگ سیاسی از نظام اجتماعی فرهنگی یک امر اعتباری است یعنی بخشی از فرهنگ که برحسب محتوا و مضمونش دلالت سیاسی دارد از کلیت فرهنگ منتزع و به آن نام فرهنگ سیاسی می‌گویند. البته فرهنگ سیاسی تنها شامل باورها، ارزش‌ها و رویکردهایی نیست که مستقیماً با سیاست مثلاً دولت، قدرت و فرمانروایی ارتباط دارد. برخی از باورها و ارزش‌ها و احساس‌های موجود در فرهنگ عمومی که ظاهراً به سیاست مربوط نمی‌شوند نیز دلالت سیاسی دارند. مثلاً باورهای شخصی در مورد سرشت انسان دلالت سیاسی مهمی دارد. در فرهنگ‌هایی که نسبت به سرشت انسان بدبینی وجود دارد. اعتماد سیاسی محدود است و این خصوصیت به نوبه‌ی خود در فرآیندهای سیاسی تأثیر می‌گذارد در چنین فرهنگ‌هایی مشارکت گستره‌ی مردم در سیاست به جای ثبات، بی‌ثباتی به همراه می‌آورد یا باور به نیکی سرشت انسان می‌تواند یکی از دلایل اعتماد به رهبران و نظام سیاسی باشد. (سیونگ، ۱۳۸۱ : ١٤)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت فرهنگ سیاسی طرز تلقی مردم و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به نظام سیاسی وکارکردهای آن معنا می‌شود و مجموع انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی را در بر می‌گیرد. (الهی‌منش، ١٣٨٤: ۲۲) به عبارتی دیگر چارچوب فرهنگ سیاسی شامل جهت‌گیری ذهنی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ملت‌ها وگروه‌های اجتماعی و افراد نسبت به سیاست می‌باشد که این جهت‌گیری‌های ذهنی بر الگوهای رفتارسیاسی آن‌ها تأ ثیر می‌گذارد. به بیان دیگر فرهنگ سیاسی در جستجوی آن باورها و جهت‌گیری‌هایی است که مردم در شرایط خاص نسبت به امورسیاسی- اجتماعی خویش داشته و نیز مجموع الگوهایی که براساس آن عمل کرده و فرآیندهایی که امور را پیش می‌برند و نه آن چیزهایی که حسب مدعای افراد واقعاً وجود دارند. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵) بر همین مبنا اگر جایگاه دولت به معنای مجموعه‌ای از افراد و نهاها که قوانین فائقه در یک جامعه را وضع، و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارد اجرا می‌کند در نظر بگیریم. (مجیدی و پیروزفر، ۱۳۹۵: ۱۸۲) و آن را در فرهنگ سیاسی مختلف مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد که در ارتباط با وظایف دولت دو رویکرد فرهنگی متفاوت از هم وجود دارد.

فرهنگی که فردگراست و سعادت فردی را اصل قرار می‌دهد با تکیه بر فردگرایی و حمایت از حقوق فرد در برابر مداخلات دولت؛ وظایف دولت را به حفظ نظم مدنی، حفاظت از دارایی‌های خصوصی و پاسداری از امنیت ملی محدود می‌کند ، و فرهنگی که جامعه‌گراست و جامعه را به عنوان یک کل مقدم بر جزء یا فرد می‌داند و با تکیه بر دولت‌گرایی، معتقد است، دولت‌ها علاوه بر کارکرد سیاسی و امنیتی، هدایت و کنترل امور اقتصادی و اجتماعی در بخش‌های مختلف همچون آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و ... را نیز بر عهده دارند و تنها ابزار موجود برای توسعه و نوسازی کشور هستند (رنجبر و صیاد، ۱۳۹۲: ۸٤) بر اساس این فرهنگ این گونه تصور می‌شود که مردم بدون کمک دولت نمی‌توانند نیازهای خود را برای رسیدن به یک زندگی مطلوب برآورده کنند؛ و دولت باید امکاناتی را در اختیار آن‌ها بگذارد تا بتوانند در شرایطی مطلوب زندگی کنند. به همین علت طرز تفکر و جهت‌گیری ذهنی آن‌ها به دولت غالباً با نوعی احساس وابستگی و انتظارات فزاینده همراه است به گونه‌ای که اگر این جهت‌گیری ذهنی را در چارچوب فرهنگ سیاسی قرار دهیم می‌توان از آن با عنوان «فرهنگ دولت‌گرا»نام برد. و منظور ما در این پژوهش چنین نوعی از فرهنگ سیاسی است که وجود آن را در جمهوری اسلامی ایران با عنایت به ویژگی‌های موجود در آن و همچنین تداوم ساختار پاتریمونیال از گذشته و ساختار اقتصادی خاص (دولت رانتیر) مفروض انگاشته‌ایم.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کارآمدی نظام سیاسی:

در تعریف مفهوم کارآمدی که معمولاً آن را مترادف با کارآیی و اثربخشی قرار می‌دهند گفته‌اند: «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت توانایی و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص. (گلریز،۱۳٦۸، ۱۷۱) در عین حال به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران کارآمدی عبارت از: کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به اهداف نقش دارند. (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳: ۵۷۵) البته در علم سیاست مفهوم کارآمدی همچنین با مفاهیم دیگری چون مشروعیت و اقتدار سنجیده می‌شود و در این میان مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آن‌ها تعامل و ارتباط دوجانبه و مستقیمی وجود دارد به عبارت دیگر هنگامی که «پایینی ها نخواهند و بالایی‌ها نتوانند« سقوط و سرنگونی حتمی است. بدین ترتیب نظام سیاسی هنگامی کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیش‌تر مردم یا حکومت شوندگان از او متوقعند انجام دهد در واقع پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارآمدی آن است. (رضایی‌مهر، ۱۳۸۰: ۹) لیپست اولین شخصی بود که به طور خاص رابطه میان مشروعیت و کارآمدی را تجزیه و تحلیل کرد و بحث رابطه میان این دو مفهوم را در ثبات یک رژیم مطرح نمود.

لیپست کارآمدی را عملکرد واقعی حکومت یا برآورده شدن کارویژه‌های حکومت توسط نظام تعریف می‌کند. (لیپست، ۱۹۵۹: ۷۷) به همین علت می‌توان مشاهده نمود بسیاری از حکومت‌ها در آغاز دارای مشروعیت بوده‌اند ولی در ادامه به دلیل ناتوانی و عملکرد ناصحیح(ناکارآمدی) مشروعیت خود را از دست داده است. به عنوان نمونه فراز و فرود حکومت ژنرال دوگل بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹٦۹ ارتباط وثیقی با کارآمدی آن داشت. (روحانی، ۱۳۷۹: ۱۲) گاهی نیز برخی از حکومت‌ها با کارآمدی توانسته‌اند به مشروعیت نیز دست یابند بر همین مبنا اودانل معتقد است دیکتاتورهای مصلح که با کودتا بر سر کار می‌آیند، اگر عملکردشان به گسترش رفاه عمومی و ایجاد امنیت بیانجامد، برای خود مشروعیت هم کسب می‌کنند و اساساً توسعه خود مشروعیت‌آفرین است، (حجاریان، ۱۳۷۳: ۸۰) حتی در حکومت‌های دینی نیز هر چند کارآمدی شرط اصلی و حیاتی وجود مشروعیت محسوب نمی‌شود، اما درفقدان کارآمدی موجب ایجاد تردید و سوال در حجیت شرعی و اعتبار دینی حکومت خواهد شد. (شجاعی زند، ۱۳: ٥٤)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ضرورت و اهمیت کارآمدی تا بدان حد است که در صورت بی‌توجهی و نپرداختن به آن عنصر مشروعیت به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و در درازمدت مشروعیت به ضد خود تبدیل می‌گردد. به همین جهت کارآمدی را مشروعیت عملی یا مشروعیت همیشگی می‌توان نامید. به بیان دیگر یک حکومت مردم سالار نه تنها باید بر اصول مردم سالار استوار باشد بلکه باید به صورت مردم سالار نیز اداره شود (قلی‌پور ۱۳۷۸: ۱۳٤) از دیدگاه مدیریتی نیز کارآمدی میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام ماموریت که نشان دهنده‌ی درجه رسیدن به اهداف است تعریف شده است. (معینی، ۱۳۷۰: ۵۵) این مفهوم همچنین در برگیرنده مفهوم حکومت مطلوب نیز می‌باشد زیرا حکومت مطلوب نیز ناظر به اهداف مطلوب و مورد انتظار از حکومت است که افراد یا گروه‌ها به لحاظ نظری و عملی به دنبال آن هستند. (شاکری، زینالی و بیگی، ۱۳۹٦: ۳٦) بنابراین نظام سیاسی آنگاه کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم از آن متوقع هستند انجام دهد و وظیفه‌ی اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی اجتماعی سیاسی مادی معنوی همه‌ی شهروندان به ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک تک آنان در اجتماع است. (قائدی، ۱۳۸۳ : ۲۹۹)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

کارآمدی در حوزه سیاست:

یکی از شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی سیاسی امکان جذب حداکثری شهروندان در امر حکمرانی و برقراری شرایطی است که همه‌ی شهرواندان یک کشور به دور از تفاوت‌ها بتوانند در اداره‌ی کشور مشارکت داشته باشند؛ مشارکت در واقع عمل داوطلبانه شرکت مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی و اجتماعی است (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۹) به عبارتی مشارکت عمومی دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (قنبری، آذرشب، موسوی: ۱۳۹۵:۲۰۱) که وقتی در حوزه‌ی سیاسی رخ می‌دهد اصطلاحاً به آن مشارکت سیاسی می‌گویند. هانتینگتون مشارکت سیاسی را فعالیت خصوصی شهروندان به قصد تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولت تعریف می‌کند. (فیروزجائیان، ۱۳۸۷: ۸٦) دایره المعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۲) از دیدگاه راش مشارکت سیاسی همه رفتارهای داوطلبانه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شهروندان یک جامعه را شامل می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر سیاست‌های عمومی جامعه اثر می‌گذارند. وی به همراه میلبراث مدل‌هایی را ارائه می‌دهند که به نظر خودشان همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی را در بر می‌گیرد. در این مدل‌ها داشتن مقام سیاسی و اجرایی در بالاترین سطح و رای دادن در پائین‌ترین سطح مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد. (پالیزان، ۱۳۹۰: ۳۵)

از دیدگاهی دیگر مهم‌ترین سطوح مشارکت سیاسی از پائین‌ترین تا بالاترین سطح مشارکت را می‌توان در پنج مورد زیر خلاصه کرد: رای دادن و شرکت در گزینش و انتخابات سیاسی و اجتماعی؛ آزادی بیان و شرکت در تشکل‌های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها مسولان و ساختار حکومتی؛ نامزد پست‌ها و کرسی‌های سیاسی شدن و فعالیت آزاد انتخاباتی؛ دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری؛ اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۰٤) اما به طور کلی میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و به تبع آن کارآمدی نظام سیاسی محسوب می‌شود. البته مشارکت سیاسی دارای انواع متفاوتی است الزاماً یک وجهه بارز ندارد و انواعی از فعالیت‌های سیاسی رسمی همچون شرکت در انتخابات و غیر رسمی همچون لاب‌گری و اعتصابات و اعتراضات را در بر می‌گیرد. اما از آنجایی که فرهنگ دولت‌گرا نوعی از فرهنگ تابعیت محسوب می‌شود و در فرهنگ تابعیت رفتار سیاسی افراد آمیزه‌ای است از فرصت‌طلبی انفعال کناره‌گیری اعتراض سرپوشیده و ترس (امینی، ۱۳۹۰: ۸۹) به اعتقاد جامعه‌شناسانی که از دیدگاه ساختاری کارکردی تاریخ اجتماعی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهند: «جامعه ایران بنا به دلایل خاص جغرافیایی اقتصادی و سیاسی خود دارای ساختاری است که کارکردهای آن را می‌توان در عدم شکل‌گیری طبقات اجتماعی وابستگی گروه‌های اجتماعی به دولت و عدم تثبیت منافع طبقاتی خلاصه نمود. از این دیدگاه عدم مشارکت کارکرد عمده سیاسی چنین ساختاری است به تعبیر دیگر در جامعه ایران نه تنها مشارکت مدنی از سوی یک فلسفه سیاسی حمایت نمی‌شود بلکه به دلیل عدم احساس نیاز عمومی فرهنگ مشارکت نهادینه نشده است. (مهاجری، ۱۳۸۲: ۱۹۸)

به عبارتی دیگر عدم مشارکت سیاسی و حتی اجتماعی در حوزه‌های مختلف خود ناشی از انجام تمامی امور توسط نهادهای حکومتی در دوره‌های مختلف تاریخی است. به طور

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مثال انقلاب مشروطه که با هدف مشارکت سیاسی مردم در ساختار قدرت شکل گرفت پس از کوتاه زمانی به انحراف کشیده شد. مظاهر این انقلاب از جمله انتخابات نقشی فرمایشی و توجیه کننده حضور مداوم صاحبان قدرت بر مصدر امور یافت. نتیجه‌ی چنین وضعیتی به ایجاد نوعی بی اعتمادی بدبینی و بی‌تفاوتی نسبت به امر مشارکت گردیده است از یک طرف مردم آگاه معتقد بودند که دخالت آن‌ها در امر سیاست چیزی را عوض نمی‌کند و از طرف دیگر توده ناآگاه اساساً انگیزه‌ای برای مشارکت نداشتند. (پیران، ۱۳۸۱: ۸۹) این انگاره‌ی ذهنی در یک صد سال اخیر و در دوره‌ی جمهوری اسلامی البته بهبود زیادی یافته است مخصوصاً در ارتباط با انتخابات به لحاظ آماری همواره شاهد درصد قابل توجهی از مشارکت مردمی بوده‌ایم.

به طور مثال در نخستین دوره انتخابات در سال ۱۳۵۸ درصد مشارکت ٦٧,٤ در دوره دوم ٦٤,٢ درصد در دوره سوم ٧٤,٢ درصد در دوره چهارم ٥٤,٧ درصد در دوره پنجم ٥٤,٦ درصد در دوره ششم ٥٠,٥ درصد در دوره هفتم ٧٩,٩ درصد در دوره هشتم ٦٦,٦ درصد در دوره نهم ٦٢,٨ درصد در دور اول و ٥٩,٨ درصد در دور دوم در دوره دهم ٨٥ درصد در دوره یازدهم ٧٢,٧ درصد و در دوره دوازدهم دوازدهمین ٧٣,٣ درصد بوده است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در دوره نخست ٥٢ درصد در دوره دوم ٦٤ درصد در دوره سوم ٦٠ درصد در دوره چهارم ٥٨ درصد در دروه پنجم ٧١ درصد در دوره ششم ٦٩ درصد در دوره هفتم ٥١ درصد در دوره هشتم ٥١ درصد در دوره نهم ٦٤ درصد و در دوره دهم ٦٢ درصد بوده است. (مرکز آمار وزارت کشور)

اما نباید از نظر دور داشت که کارآمدی نظام سیاسی در حوزه‌ی سیاست تنها به برگزاری انتخابات و مشارکت مردمی در آن محدود نمی‌شود بلکه وجود نهادهای مدنی که در عرصه‌ی سیاسی به فعالیت می‌پردازند برای افزایش کارآمدی اجتناب‌ناپذیر است. برای نمونه در جوامع توسعه یافته این احزاب سیاسی هستند که علاوه بر سازماندهی افکار و آراء در آستانه انتخابات با فراهم ساختن ارتباط میان مردم و مسئولین نه تنها زمینه مشارکت سیاسی را فراهم می‌کنند بلکه امکان افزایش کارآمدی سیاسی و تداوم و ثبات سیاسی را نیز فراهم می‌کنند. زیرا یک دولت بدون حزب فاقد ابزار نهادینه برای ایجاد دگرگونی های پایدار و جذب پیامدهای آن است . قدرت چنین دولتی برای نوسازی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار محدود است

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و به گفته موریس دوورژه یک رژیم بدون حزب، ضرورتاً یک رژیم محافظه کار است. (امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۱)

اما فرهنگ دولت‌گرا موجبات ضعف فعالیت احزاب سیاسی در ایران را فراهم نموده است زیرا بر خلاف فلسفه‌ی وجودی احزاب سیاسی که می‌بایست در پی توسعه‌ی نهادهای مدنی در فرایندی از پائین به بالا شکل بگیرند؛ غالب احزاب در ایران از بالا به پائین و توسط دولت یا دولتمردان به وجود آمده‌اند، و وابستگی مردم به دولت از یک‌سو و انحصار دولت در عرصه‌ی عمومی از سوی دیگر موجب گردیده تا احزاب سیاسی به دلیل غیر مردمی بودن، خودجوش نبودن، نداشتن پایگاه های مستقل و طی نکردن فرایند تشکیل از پایین به بالا از ایفای کارکردهای خود بازبماند.

به طور مثال بسیاری از احزاب در تاریخ صد ساله تشکیل خود در ایران سیاسی احزاب دستوری بوده‌اند. احزاب دستوری یا فرمایشی که احزاب دولت ساخته نیز جزء آنهاست، به آن دسته از احزابی گفته می شود که ریشه‌های عمیق اجتماعی ندارند و بر حسب انگیزه فردی، طبقاتی، یا خارجی به وجود آمده‌اند. این گونه احزاب فاقد تشکیلات منسجم حزبی هستند و ایدئولوژی مدوّنی ندارند. گردآوری اعضا و ایجاد ایمان حزبی و ایدئولوژیک در این نوع احزاب با مشکلات فراوانی مواجه است. این احزاب را از آن جهت دستوری می نامند که پایه های آنان طبیعی نبوده و از بطن شرایط اجتماعی سرچشمه نگرفته است. منافع گروهی و طبقاتی افراد و باندهای سیاسی و اقتصادی عامل ایجاد این‌گونه احزاب هستند. این احزاب عمدتاً در سه قالب ظاهر شده‌اند: احزابی که متکی به یک شخصیت بوده و بر محور فردی شکل گرفته اند، احزابی که با سفارش نظام حاکم توسط کارگزاران سرشناس رژیم به وجود آمده‌اند، احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و به عبارتی احزاب واکنشی‌اند. (تبریزنیا، ۱۳۷۱: ٢٤٦)

احزاب فرمایشی در شرایط ویژه سیاسی، یعنی موقعیتی که منافع گروهی و طبقاتی عده ای در خارج یا داخل نظام سیاسی در معرض خطر قرار می گیرد، به وجود می آیند و در نتیجه، واکنش نیروهای ذی نفع در قالب این احزاب سیاسی در صحنه اجتماعی و در ظرف تحزّب ظهور پیدا می کند و به همین خاطر عمر آنها کوتاه و متناسب با میل کارگردانانشان و نظام سیاسی سازنده آنها تعیین می گردد. احزاب مهم و دولت ساخته دوران پهلوی از

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جمله حزب رستاخیز، ایران نوین، ملّت، و ملّیون ضربات مهلکی را به پیکر ضعیف تحزّب در ایران وارد نمودند. هر چند نمی توان از این حقیقت نیز چشم پوشید که بعد از انقلاب اسلامی هم، احزاب مهمی مانند حزب جمهوری اسلامی، کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت اسلامی و... را نیز کارگزاران دولتی و صاحب منصبان عالیه نظام تأسیس نمودند.

فرهنگ دولت‌گرا همچنین از آن جهت که همواره به جای حق بر تکلیف‌مداری شهروندان تاکید دارد موجبات ضعف احزاب سیاسی را فراهم ساخته است. از سوی دیگر یکی از الزامات شکل‌گیری احزاب سیاسی وجود روحیه همکاری ورقابت از یک‌سو و روحیه اعتماد به دیگران و خردورزی از سوی دیگر است. مشارکت در کار حزبی بدان معناست که افرادی در همکاری با یکدیگر و رقابت با گروهی دیگر می‌توانند بر اساس اصولی ضمن دستیابی به هدف خود که همان قدرت سیاسی است حق موجودیت و امکان موفقیت سیاسی رقیب خود را به طور قانونی و اجتماعی به رسمیت بشناسند. (سالمی قمصری، ۱۳۸٦: ٤٩) اما از آنجا که در فرهنگ دولت‌گرا حاکمیت طالب انحصار قدرت است و هیچ نقد و مخالفتی را تحمل نمی‌کند و در طیف اپوزیسیون معترض نیز روحیه‌ی مشابهی وجود دارد تحقق احزاب سیاسی در چنینی فرهنگی بسیار ضعیف است. زیرا بالادستان همواره تحمل شنیدن نظراتی برخلاف نظرات خود را ندارند. (دیانت، ۱۳۹۵: ۱۲۰)

حوزه اقتصادی:

مهم‌ترین تاثیر فرهنگ دولت‌گرا در حوزه‌ی اقتصادی به حضور وسیع و همه جانبه‌ی دولت در عرصه‌ی اقتصاد باز می‌گردد به گونه‌ای که به جای فعالیت بخش خصوصی و به جریان افتادن سرمایه‌های مردمی در فرایند تولید دولت به مهم‌ترین و در بعضی موارد به تنها بازیگر عرصه‌ی اقتصادی تبدیل می‌شود از سوی دیگر در ارتباط با ایران ویژگی رانتیر دولت نیز موجب تشدید این انحصار اقتصادی می‌شود به گونه‌ای که اختیار کامل دولت در توزیع درآمدهای رانتی مردم را در عرصه اقتصادی نیز به دولت وابسته نگه می‌دارد. این مساله موجب می‌گردد تا مردمی که برای تامین نیازهای اقتصادی خود به دولت وابسته هستند در انجام فعالیت‌های نیز از خود استقلالی نخواهند داشت و همیشه چشمانشان به دهان دولت خواهد بود. از سوی دیگر از آنجا که دولت در هزینه نمودن درآمدهای رانتی دارای استقلال کامل است و حتی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

می‌تواند این درآمدها را بر خلاف منافع جامعه و در راستای منافع شخصی هزینه نماید(حاجی یوسفی،۱۳۷۷: ٧٦) معمولاً با ناکارآمدی در عرصه‌ی اقتصادی روبرو خواهد شد که این ناکارآمدی در مواردی همچون: ضعف اقتصاد خصوصی و انباشت سرمایه، تورم، بیکاری (بخشایشی اردستانی، ١٣٩٦: ٦٨) و مخصوصاً فساد اقتصادی جلوه‌گر می‌شود.

برای سنجش میزان دخالت دولت در اقتصاد مهم‌ترین شاخص مقایسه حجم بودجه دولت با تولید ناخالص داخلی است. هرچه حجم بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد اقتصاد دولتی‌تر است. البته این مساله الزاماً به مفهوم خلع ید از بخش خصوصی در اقتصاد ایران نیست بلکه تنها مداخله دولت در نظام بانکی و پولی که از طریق افزایش تورم؛ آزادی بخش خصوصی را محدود می‌سازد را نشان می‌دهد. از سوی دیگر برای شناسایی نقش دولت در تولید و انباشت سرمایه و مقایسه آن با بخش خصوصی یا به عبارت بهتر مداخله دولت در اقتصاد کافی است حجم بودجه دولت را با کل درآمد تاخالص داخلی مقایسه کنیم. از تقسیم بودجه کل کشور به درآمد ناخالص داخلی درصدی به دست می‌آید که افزایش آن نشانگر دخالت بیشتر دولت در اقتصاد و بالعکس کاهش آن نشانگر دخالت دولت در عرصه اقتصاد است که بر این اساس سهم بودجه دولت از تولید ناخالص داخلی از ٦٦ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۹۹ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. به عبارت دقیق‌تر دولت در فرایند انباشت سرمایه از آن‌جا که سعی دارد ناتوانی بخش خصوصی را در انباشت جبران کند خود اقدام به انباشت سرمایه می‌کند. اما در عمل انباشت سرمایه که دولت مجری آن است با ضعف عمده‌ای در این سال‌ها روبرو بوده است. (فتاحی، ۱۳۸۵: ۲۳۵)

این ناتوانی در مورد میزان نرخ تورم نیز قابل مشاهده است. به طور مثال نرخ تورم طی ده سال اخیر در ایران به طور متوسط ۲۰/۸ درصد بوده که در رده تورم‌های بحرانی طبقه بندی می‌شود بانک جهانی متوسط نرخ تورم جهان در تابستان ۲۰۱۳ را حدود ۲/۸ درصد و در همین دوره تورم ایران را ۳۹ درصد گزارش نموده است. (سایت تابناک ۱۹/ ۸ / ۹۲) این آمار نشانگر بالا بودن قابل ملاحظه تورم ایران از سطح متوسط جهانی است. تورم بالا در اولین نتیجه‌گیری نشانگر ناکارآمدی اقتصاد و در وهله بعد نتیجه اجرای اصلاحات اقتصادی است که با الگوی سرمایه‌داری از سال ١٣٦٨ به بعد اجرا گردید. این اصلاحات گرچه ضرردهی بنگاه‌های اقتصادی دولتی را به شدت کاهش داد اما نتوانست انحصارات تولید کالا و خدمات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

دولتی را حذف کند و فضای رقابتی و انباشت سرمایه توسط بخش خصوصی را سازمان دهد. بنابراین برنامه‌هایی که برای کارآمدسازی بنگاه‌هایی اقتصادی طراحی شده بود به علت اجرای ناقص و مداخله شدید دولت پاسخ معکوس داده و به ناکارآمدی و تورم بالا منجر شد. مداخله دولت در اقتصاد عملاً مبادله آزادانه کار و سرمایه در بخش غیر دولتی را بواسطه رکود و تورم شدید مختل نمود. (شادلو و کرم‌پور، ۱۳۹٤: ۱۵٤)

مورد دیگر در مورد اقتصاد ایران که هنوز به عنوان یک امر مسلم قابل رویت است وجود انحصارات در بخش‌هایی از سازمان‌های دولتی است که اعمال اقتصادی نیز انجام می‌دهند. گر چه طی دو دهه اخیر دولت با نظریه ایجاد بنگاه‌های اقتصادی دولتی با مدیریت خصوصی سعی نمود شرایط سرمایه‌داری رقابتی را در درون سازمان‌های دولتی به اجرا درآورد اما این امر موجب بهبود کارآمدی دستگاه‌های دولتی نشد. چنان‌چه پیتر ایوانز و جیمز راچ معتقدند موتور محرکه‌ای که چرخ پایدار توسعه را به حرکت وامی‌دارد کارآفرینان بخش خصوصی هستند. دولت همراه این موتور محرکه کشتی توسعه را هدایت می‌کند. بر اساس این نظریه (نظریه نهادی) بحث بر سر مداخله و یا عدم مداخله دولت نیست بلکه آن‌چه مدنظر است نحوه دخالت دولت و در واقع کارآمدی آن است. بر این اساس تاکید بر خصوصی‌سازی منبعث از جامعه مولفه مهمی در توسعه محسوب می‌شود. لکن در ایران برنامه خصوصی‌سازی در دولت‌های مختلف همواره ناکارآمدی‌های خاص خود را داشته است. (ایوانز و پیتر، ۲۰۰۰: ٤۳)

در دوران پس از جنگ و دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی هر چند بر اساس آن‌چه سازندگی نام‌گذاری گردید تلاش‌های زیادی برای جلب سرمایه بخش خصوصی صورت پذیرفت اما در عمل ساختار اقتصادی دولت نسبت به قبل تغییر قابل توجهی نداشت. سید محمد خاتمی نیز با طرح‌های بلندپروازانه‌ای را برای خصوصی‌سازی تعداد زیادی از شرکت‌های دولتی از جمله: بانکداری، بیمه، مخابرات و حتی بخش‌هایی از گاز طبیعی و نفت بیان نمود که بر اساس آن بیش از ۵۰۰ شرکت دولتی می‌بایست خصوصی می‌شدند. خاتمی همچنین مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی را در برنامه‌های خصوصی‌سازی را به تصویب رساند و برای انجام اقدامات هماهنگ کننده در این راستا، سازمان خصوصی سازی ایرانی را در ژوئن ۲۰۰۱ تاسیس کرد، و به عنوان یکی از ابتکارات

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اقتصادی در زمان وی به بانک‌های خصوصی و خارجی اجازه حضور در مناطق آزاد تجاری داده شد که در طول دوره حکومت جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود. (مولوی، ۲۰۰۹: ۱۱۹) با این حال نقطه ضعف سیاست خصوصی‌سازی در دولت سید محمد خاتمی توجه اندک به برنامه آزادسازی اقتصادی بود مضافاً اینکه دولت مذکور در شکوفا کردن شرکت‌های دولتی نیز ناکام بود. بنابراین برنامه سوم توسعه در دستیابی به اهداف خود چندان موفق نبود و خصوصی سازی نیز در دولت خاتمی تحت تاثیر هزینه‌های جدید حکومت قرار گرفت. (فلاحت پیشه و شورچی، ۱۳۹۵: ۱۳۰) و منتقدین معتقد بودند آن‌ها بر این باور بودند که در طول دوره ریاست جمهوری خاتمی و رفسنجانی؛ شرکت‌های وابسته به بانک‌ها و سازمان‌های دولتی، سازمان تامین اجتماعی، سازمان بازنشستگی و برخی نهادها و شرکت‌های هم‌پیوند با آن‌ها برندگان اصلی طرح خصوصی‌سازی بوده‌اند. (حبیبی، ۱۳۸۹: ۵-۳)

با شروع دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، وی با نقد دولت‌های قبل از خودش در خصوصی‌سازی که از نگاه او کارخانه‌ها و اموال دولتی را به قیمت ارزان به برخی گروه‌ها واگذار کرده بودند سیاست جداگانه‌ای را در پیش گرفت. اما عملا در خصوصی سازی بسیار کند بود وی در سال ۲۰۰۶ علیرغم حکم رهبری و تفسیر جدید از اصل ٤٤ و تاکید بر تقویت خصوصی‌سازی تنها ۹ درصد از طرح‌های خصوصی‌سازی را واگذار کرد. اما در ادامه با واگذاری بخش‌های استراتژیکی همچون: مخابرات، حمل و نقل، برق، سوخت، بانکداری و فولاد در صدد برآمد تا ۸۰ درصد صنایع دولتی را تا پایان برنامه چارم توسعه خصوصی نماید اما در حالی که احمدی‌نژاد ادعا می‌کرد جمهوری اسلامی در خصوصی‌سازی بهتر از کشورهای اروپایی و خاورمیانه عمل کرده است منتقدین استدلال می‌کردند که میزان خصوصی سازی در ایران بیش از کیفیت آن مورد توجه قرار گرفته است. (فلاحت پیشه و شورچی، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۱) بدین ترتیب ضعف اتصادخصوصی در ایران از یک‌سو و وابستگی اکثر بنگاه‌های اقتصادی بزرگ به دولت که اغلب تولید انحصاری یا شبه انحصاری دارند از سوی دیگر، موجب کاهش خلاقیت و رقابت در عرصه تولید، عقب ماندگی تکنولوژیکی، افزایش قیمت تمام شده و کاهش فرصت رقابت بین‌المللی، تشدید فشار بر روی فرصت‌های شغلی و افزایش قیمت خدمات و کالا شده است که در نهایت کاهش کارآمدی و حتی مشروعیت دولت را به همراه داشته است. (شادلو و کرم‌پور، ۱۳۹٤: ۱۵۵-۱۵٤)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جمع‌بندی:

فرضیه اولیه این پژوهش حاکی از آن بود که فرهنگ دولت‌گرا با تبیین وظایف متعدد در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی برای دولت موجب ضعف کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شده است. برای آزمون فرضیه مذکور ابتدا با انتخاب چارچوب نظری کارکردگرایی آلموند و پاول، ضمن تعریف مفاهیم فرهنگ دولت‌گرا و کارآمدی نظام سیاسی سعی نمودیم تا تاثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی دولت در دو حوزه سیاسی و اقتصادی مورد واکاوی قرار دهیم. بدین منظور برای سنجش کارآمدی در حوزه سیاست یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی یعنی مشارکت سیاسی را مورد بررسی قرار دادیم که نتیجه‌ی آن بیانگر آن بود که مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به دلیل تاثیرپذیری از فرهنگ دولت‌گرا به نوعی مشارکت منفعلانه تبدیل گردیده که بر اساس آن مردم تنها در مواردی که دولت ازآن‌ها برای مشارکت سیاسی دعوت به عمل می‌آورد وارد صحنه می‌گردند که نمود بارز آن مشارکت مردم در انتخابات مختلفی است که در کشور برگزار می‌گردد؛ اما با پایان یافتن رقابت‌های انتخاباتی مردم نیز باز از صحنه سیاست دور می‌شوند و دولت را به عنوان تنها بازیگر حوزه‌ی عمومی تنها می‌گذارند.

در طی فرآیند پژوهش مشخص گردید غلبه‌ی چنین شرایطی هم‌چنین موجبات ضعف احزاب سیاسی را نیز فراهم می‌سازد و چنان‌چه ذکر آن گذشت غالب احزاب سیاسی در ایران تحت تاثیر چنین شرایطی وابسته به دولت یا دولت‌مردان ایجاد شده‌اند و به جای این‌که با طی فرایندی از پائین به بالا موجب تقویت نهادهای مدنی و نماینده مردم در مدیریت قدرت باشند ابزاری در دست دولتمردان برای اعمال قدرت بوده‌اند. از سوی دیگر در حوزه‌ی اقتصادی نیز به دلیل حضور همه جانبه‌ی دولت در همه‌ی عرصه‌ها شاهد وضعیت مشابهی هستیم. زیرا برآمده از فرهنگ دولت‌گرایی مردم علاوه بر کارکردهای سیاسی و امنیتی، انتظار دارند تا دولت هدایت و کنترل امور اقتصادی و اجتماعی در بخش‌های مختلف همچون آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و ... را نیز بر عهده بگیرد و این‌طور تصور می‌کنند که بدون کمک دولت نمی‌توانند نیازهای خود را برای رسیدن به یک زندگی مطلوب برآورده کنند. از سوی دیگر دولت‌مردان نیز در راستای این طرز تفکر سعی می‌کنند تا با ایجاد اقتصاد دولتی این خواسته‌ها را برآورده سازند که در این میان ساختار رانتیر اقتصادی نیز این امر را تشدید می‌سازد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

زیرا از یک‌سو از آن‌جا که درآمدهای رانتی به طور انحصاری در اختیار دولت قرار دارد، دولت می‌تواند به هر طریق که صلاح می‌داند به هزینه کرد آن بپردازد و آن را در سطوح مختلف جامعه به سلیقه‌ی خود توزیع نماید. و از سوی دیگر چون دولت منابع درآمدی خود را به جای مالیات از رانت تامین می‌نماید ضرورتی برای تقویت اقتصاد خصوصی و حمایت از آن ندارد و بعضاً بر سر راه رشد اقتصاد خصوصی مانع‌تراشی نیز می‌نماید چرا رشد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی انحصار بنگاه‌های اقتصادی دولتی را با معضل روبرو می‌سازد. مجموع این عوامل موجب گردیده تا حوزه‌ی اقتصاد نیز از کارآمدی مناسب برخوردار نباشد وجود نرخ بیکاری بالا، تورم، ضعف بنگاه‌های اقتصاد خصوصی و فساد اقتصادی از جمله مصادیق این ناکارآمدی است.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت؛ فرهنگ سیاسی دولت‌گرا از یک‌سو مردم را به شدت به دولت وابسته می‌سازد و موجب می‌گردد تا مردم به دلیل این وابستگی و دوری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تابعیت از دولت روی آورند و به جای انجام وظایف شهروندی؛ زیر بار پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی خود نرفته و تنها از دولت متوقع باشند و از سوی دیگر نخبگان سیاسی اجرایی یا دولت‌مردان نیز با همین طرز تفکر سعی می‌کنند به جای وظایف همه‌ی اختیارات را در انحصار خود قرار دهند که این خود نیز اثری معکوس می‌گذارد و ازآن‌جا که دولت اختیار همه‌ی امور را بر عهده دارد از نظر مردم علت هر مشکلی نیز به دولت باز می‌گردد و با بروز هر مشکلی دولت ناکارآمد تلقی می‌گردد. بدین ترتیب تا زمانی که مردم با پذیرش مسئولیت در حوزه‌ی عمومی انتظارات خود را از دولت کاهش ندهند و تا زمانی که دولتمردان به جای انحصار در مدیریت قدرت تکثر در این زمینه را نپذیرند کارآمدی نظام سیاسی به دلیل عدم ایجاد توازن میان خواسته‌ها و انتظارات مردم با وظایف و اهداف دولت هم‌چنان با مشکلات زیادی همراه خواهد بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کتاب‌نامه

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کارآمدی نظام سیاسی اسلام*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.

امینی علی اکبر،خسروی محمدعلی،(۱۳۸۹)، تاثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، بهار۱۳۸۹، شماره۷.

امینی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، اثر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان، *مجله‌ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره ۲۸۳.

الهی‌منش محمدحسن، ۱۳۸٤، *تأثیر فرهنگ سیاسی نخبگان بر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران طی مقطع ۱۳۸۰-۱۳۵۷*، پایان‌نامه دکتری رشته‌ی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، نیم‌سال اول تحصیلی ۸٤-۱۳۸۳.

بخشایشی اردستانی، احمد، (۱۳۹٦)، مطالعه تطبیقی تحقق اندیشه امام خمینی (ره) با رویکرد عدالت اقتصادی در دولت‌های پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳٦۸)، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹٦، صفحات ۷۹-۵۵.

بدیع، برتران، (۱۳۷٦)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس.

بشریه حسین، (۱۳۹۳)، *آموزش دانش سیاسی*، چاپ یازدهم، تهران: نگاه معاصر.

پالیزان، محسن، (۱۳۹۰)، بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آ، *فصلنامه سیاست*، دوره ٤۱، شماره ۲، صفحات ٤۹-۳۳.

پیران، پرویز، (۱۳۸۱)، شوراها در ایران: نگاه آسیب‌شناسانه، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۵، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۲)، انقلاب آرام، فراز و فرود ارزش‌ها در ایران امروز، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره٤.

تبریزنیا، حسین، (۱۳۷۱)، *علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*، تهران: مرکز نشر بین‌المللی.

جعفری‌نیا، غلامرضا، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اقتصادی موثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره دوم، صفحات ۱۲۲-۸۷.

حاجی یوسفی امیر محمد، (۱۳۷۷)، استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۷، صفحات۹٤-٦۹.

حبیبی، مسعود، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران، *فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی*، شماره ۱٦.

حجاریان، سعید، (۱۳۷۳)، مساله مشروعیت سیاسی، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳، بهار ۱۳۷۳.

دیانت، محسن، (۱۳۹٤)، تأثیر نظریه کارکردگرایی بر شکل‌گیری بروکراسی و اسختار فرهنگ ایران، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۲۵-۱۰۵.

رضایی‌مهر، حسین، (۱۳۸۰)، تأملی در باب مشروعیت حکومت دینی، *روزنامه کیهان*،شماره ۱۷۱۳۳۰،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

.۱۳۸۰/۳/۱۱
رنجبر، مقصود، صیاد، محمدرضا، (۱۳۹۲)، ستیز دولت و بنیادگرایی اسلامی و تاثیر آن بر توسعه در خاورمیانه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۲، صفحات ۱۰۳-۸۳.
روحانی، حسن، (۱۳۷۹)، درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
سی یونگ، دال، (۱۳۸۱)، *فرهنگ سیاسی و توسعه‌ی سیاسی؛ مطالعه‌ی تطبیقی ایران و کره*، تهران، خانه‌ی سبز.
شادلو، عباس؛ کرم‌پور، رزا، (۱۳۹٤)، تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹٤، صفحات ۱۵۹-۱٤۱.
شاکری، سیدرضا، زینالی، صادق، بیگی، علیرضا، (۱۳۹٦)، مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹٦: صفحات ۵۷-۳۳.
شجاعی‌زند، علیرضا، (۱۳۷٦)، *مشروعیت دینی قدرت و اقتدار سیاسی دین*، تهران: تبیان.
فتاحی علی و محسن زمانی (۱۳۸۵) *اقتصاد دولتی در ایران* تهران: نشر مرز فکر.
فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله؛ شورچی، حافظ، (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای رویکرد توسعه‌ای دولت‌های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت)، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳٤،صفحات ۱۳٦-۱۱۷.
فیروزجائیان، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۰۹-۸۳.
قائدی، محمدرضا،(۱۳۸۳)، مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی، *مجله‌ی راهبرد*، شماره ۳۱.
قلی‌پور، رحمت‌الله، (۱۳۷۸)، *حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت*، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
قنبری، سمیه، آذرشب، محمدتقی،، موسوی، سیدمحمدرضا، (۱۳۹۵)، استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری، با تاکید بر مولفه‌های دفاعی-امنیتی، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۲۱۲-۱۹۳.
قوام عبدالعلی، (۱۳۷۹)، *سیاست‌های مقایسه‌ای*، تهران، سمت.
گلریز، حسن، (۱۳٦۸)، *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات*، تهران: مرکز آموزش بانکداری.
مجیدی، حسن، پیروزفر،مهدی، (۱۳۹۵)، دین و دولت در اندیشه فتح‌الله گولن بر اساس چارچوب تحلیلی اسپرینگز، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صفحات، ۲۰۵-۱۷۹.
مرتضی سالمی قمصری،(۱۳۸٦)، موانع فرهنگی تحزب در ایران (دوره اول تحزب، ۱۳۰٤-۱۲۸۸)، *فصلنامه*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸٦، صفحات ۳۹ تا ۷۲.
مریدی سیاوش، نوروزی علیرضا، (۱۳۷۳)، *فرهنگ اقتصادی*،تهران: موسسه کتاب پیشرو و انشارات نگاه.
معین، صغریْ (۱۳۷۰)، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان*، تهران: وزارت کشاورزی.
مهاجری، اصغر، (۱۳۸۲)، *چالش‌های پارلمان‌های محلی ایران در فرآیند گذار*، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شورای اسلامی، تهران: پژواک،
نقیب‌زاده، احمد،(۱۳۸۰)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، سمت.
هاشمی ضیاء؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، صفحات ۲۲٦-۱۹۹.

Almond, G and Powell,B, (1978), *Comprative Politics: (SystemProcsess and Policy)*, second edition,.little Brown and Copany.

Lipset, S.m,(1959), *political Man, the social bacis of politics*, New York: Doubleday.

Evans, Peter b. , Jams E Rauch,(2000), Bureaucratic Structure and Bureaucratic Performance in less Developed Countries, in *journal of public Economics*, Issue 1, Vol.75

Molavi, Reza,(2009), *Oil and Gas Privitization in Iran: An Assessment Of the Political Will,* Ithaca: Ithaca press.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۲
صیاد، محمدرضا؛ خسروی، محمدعلی؛ شیرخانی، علی؛ خسروی باب اناری، ملک‌تاج (۱۳۹۷)، «تاثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۳، پاییز ۹۷، صص ٤۷-۲۷

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]